

آسفتگی در نظر، شتاب‌زدگی در عمل نقد کتاب «سیاست و حکومت در خاورمیانه»

سید عبدالامیر نبوی*

چکیده

رشد علاقه به بررسی تحولات و رویدادهای خاورمیانه از یک سو و گسترش دوره‌های آموزشی و پژوهشی مطالعات این منطقه طی سال‌های اخیر، از سوی دیگر، موجب شده است نیاز به آثار آموزشی و تحقیقی بیش از گذشته احساس شود. از این رو انتشار کتاب سیاست و حکومت در خاورمیانه توسط ناشرانی دانشگاهی و معتبر جلب توجه می‌نماید؛ کتابی که قرار است اسلوب آموزشی داشته باشد و خوانندگان، به ویژه دانشجویان رشته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی، را با اطلاعات و تحلیل‌های پایه در این زمینه آشنا کند. با این حال، بررسی شکلی و محتوایی کتاب نشان می‌دهد که به‌رغم دقت ناشران در عرضه اثری جامع و علمی، این نوشته دچار کاستی‌ها و گاه بی‌دقتی‌های متعددی است، به‌گونه‌ای که ظرفیت و ارزش آن را برای استناد و تدریس در دانشگاه با تردید روبرو می‌کند. بر این اساس، مطالبی درباره ویژگی‌های شکلی و نکات قوت و ضعف محتوای اثر ذکر شده و در پایان نیز توصیه‌ها و پیشنهادهایی برای ویرایش جدی آن آمده است. به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین مشکل کتاب آن است که هم از راهنمایی متخصصان حوزه مطالعات خاورمیانه و هم از مشورت صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت، در جهت نگارش اثری آموزشی، بی‌بهره بوده است.

کلیدواژه‌ها: سیاست، حکومت، ملت‌سازی، نظام منطقه‌ای، خاورمیانه.

۱. مقدمه

«ایران در منطقه خاورمیانه واقع شده است.» این جمله بیانگر یک واقعیت و حاوی نکته‌ای بدیهی است، اما بر اساس همین نکته بدیهی نمی‌توان انتظار داشت که یک سنت قوی خاورمیانه‌شناسی در ایران پدید آمده باشد. اگرچه در یک دهه گذشته، انتشار کتاب‌هایی که به بررسی مسائل خاورمیانه پرداخته‌اند، رشد صعودی داشته و حتی می‌توان ادعا کرد که خاورمیانه‌شناسی در ایران، به‌خصوص در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور، نسبت به پیش از انقلاب جدی‌تر گرفته شده است، هنوز تا نقطه مطلوب؛ یعنی شکل‌گیری و تثبیت یک سنت مستحکم علمی در این زمینه، فاصله زیادی باقی است. این نتیجه‌گیری شاید در ابتدا شتابزده و حتی بدبینانه به نظر برسد، اما کافی است مروری بر عناوین و محتوای مقالات و کتاب‌های تالیفی مربوط به این حوزه انجام شود تا مشخص گردد که هنوز بسیاری از مسائل و تحولات منطقه مورد توجه و بررسی دانشگاهیان ایرانی قرار نگرفته است. گسترش علاقه به مطالعات خاورمیانه در ایران، به ویژه با راه‌اندازی دوره‌هایی در مقطع تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌ها طی سال‌های گذشته، سبب شده است نیاز به آثاری مناسب برای آموزش بیش از پیش احساس شود. اگرچه فعالیت نهادها و موسساتی چون دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مرکز مطالعات علمی و پژوهش‌های استراتژیک خاورمیانه، پژوهشکده مطالعات راهبردی، موسسه ابرار معاصر و موسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور در این سال‌ها در شناخت هرچه بیشتر و دقیق‌تر تحولات این منطقه موثر بوده و موجب پدید آمدن تدریجی آثاری پژوهشی و قابل استناد شده است، کمبود آثار آموزشی جامع و معتبر نکته‌ای غیرقابل انکار است که حتی حالت آزاردهنده پیدا می‌کند. در واقع، این کمبود موجب شده است دانشجویان و علاقمندان از دسترسی به آثاری که مطابق با اسلوب علمی و مناسب آموزش تنظیم شده باشد و پایه‌های محکم و مناسبی برای مطالعات و تحقیقات بعدی فراهم کند، محروم بمانند. اگر لزوم تقویت نگاه آکادمیک ایرانی در تحلیل مسائل و تحولات این منطقه مهم را ملاک قرار دهیم، اهمیت این کاستی بیشتر روشن می‌شود. البته، چنان‌که پیشتر اشاره شد، در این مدت کتاب‌هایی در زمینه مطالعات خاورمیانه، اعم از تالیف و ترجمه، از سوی ناشران مختلف روانه بازار کتاب شده است که نمی‌توان نقاط قوت آنها را نادیده گرفت، متنها به نظر می‌رسد بیشتر آنها از جامعیت لازم برای تدریس در دانشگاه برخوردار نیست. با توجه به این مقدمه، اهمیت انتشار کتاب سیاست و حکومت در خاورمیانه (ابوالحسن شیرازی،

قربانی و سیمبر، ۱۳۹۱) روشن می‌شود؛ کتابی که بر اساس عنوان آن، قرار است دانشجویان را با وضعیت نظام‌های سیاسی، نهادهای حکومتی و احزاب کشورهای خاورمیانه آشنا کند. این عنوان، چنان‌که می‌دانیم، مربوط به درسی اختیاری به ارزش ۲ واحد در مقطع لیسانس علوم سیاسی است. (شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۷۵) از سویی انتشار کتاب توسط دو نهاد معتبر علمی (سازمان مطالعه و تدوین (سمت) و دانشگاه تربیت معلم) برای استادان و محققان اطمینان خاطر ایجاد می‌کند، و از سوی دیگر تجدید چاپ سریع کتاب - سه نوبت انتشار در دو سال - از نیاز گسترده جامعه دانشگاهی به چنین آثاری خبر می‌دهد. با این حال، همچنان‌که خواهیم دید، کتاب مذکور به‌رغم آنکه مطابق با سرفصل‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی تدوین شده است، یک منبع آموزشی مناسب به‌شمار نمی‌آید و نمی‌تواند انتظارات در این زمینه را برآورده کند. در واقع، استدلال نوشته حاضر آن است که نیاز به نگارش منبعی دانشگاهی و به لحاظ علمی قابل اعتماد در این زمینه همچنان وجود دارد و کتاب حاضر، به‌رغم برخی نقاط قوت، به شکل‌گیری سستی دانشگاهی در ایران، در زمینه خاورمیانه‌شناسی، مددی نمی‌رساند. نوشته حاضر، ضمن معرفی اجمالی محتوای این کتاب، می‌کوشد ویژگی‌ها و کاستی‌های شکلی و محتوایی کتاب را بررسی کند.

۲. نقد درون‌ساختاری (بنایی)

۱.۲ بررسی نظم منطقی اثر

کتاب سیاست و حکومت در خاورمیانه، به عنوان منبع درسی به همین نام در مقطع کارشناسی رشته علوم سیاسی، در شش فصل تنظیم شده است. فصل اول به ذکر «ویژگی‌های کلی منطقه خاورمیانه» اختصاص یافته است. در این فصل، ضمن بیان تاریخچه واژه خاورمیانه، ویژگی‌های سیاسی، طبیعی، انسانی، اقتصادی و استراتژیک منطقه توضیح داده شده است. بر این اساس، اصطلاح خاورمیانه نخستین بار در قرن نوزدهم و توسط انگلیسی‌ها رواج پیدا کرد و تعبیری بومی نبود. تحولات میان دو جنگ جهانی، و به ویژه جنگ جهانی دوم، سبب شد که این اصطلاح کاربرد بیشتری پیدا کند، اما درباره حدود و ثغور آن همواره اختلاف نظر وجود داشت، چنان‌که هنوز برخی محققان درباره وضعیت افغانستان، سودان و قبرس که جزئی از منطقه به‌شمار می‌آیند یا خیر، اختلاف نظر دارند. نکته قابل توجه در این فصل، پیوند هر یک از آن ویژگی‌های پنج‌گانه با منافع و نقش

قدرت‌های فرامنطقه‌ای است تا تصویر دقیق‌تری از روندها و تحولات خاورمیانه و دخالت آن قدرت‌ها به دست آید.

دومین فصل کتاب درباره موضوع بسیار مهم «فرایند ملت‌سازی در خاورمیانه» است؛ موضوعی که پویش‌های سیاسی و اجتماعی منطقه را همچنان تحت تاثیر قرار می‌دهد. بر این اساس مشکل اغلب کشورهای منطقه آن است که دولت‌سازی مقدم بر ملت‌سازی بوده، ضمن آنکه کشف نفت در اغلب سرزمین‌های این منطقه موجب دخالت و دست‌اندازی بیشتر قدرت‌های خارجی شده است. در ادامه مباحث این فصل، چالش‌های ملت‌سازی در خاورمیانه مورد توجه قرار گرفته و درباره تحولات جوامع چندقومی (ترکیه، عراق، افغانستان و ایران) و جوامع همسان (کشورهای عربی) توضیحاتی آمده است. از دید نویسندگان، چون ملت‌سازی‌های مبتنی بر ملی‌گرایی قومی و راهبرد یکسان‌سازی فرهنگی در جوامع چندقومی تجربه‌ای شکست‌خورده است، این کشورها راهبردهای جدیدی را برای مواجهه با مطالبات و انتظارات در پیش گرفته‌اند. از سوی دیگر، در کشورهای همسان؛ یعنی کشورهای عربی، مهمترین مساله تاکنون دو بحران مشروعیت و مشارکت، ناشی از ماهیت دولت ملی، بوده است، ولی از این پس مطالبات ناشی از حقوق شهروندی مهمترین چالش دولت‌های آنها در فرایند ملت‌سازی خواهد بود.

«نظام منطقه‌ای خاورمیانه» عنوان سومین فصل کتاب است که حاوی توضیحاتی مفصل درباره کشورهای منطقه، در دو قسمت جهان عرب و جهان غیرعرب، است. ویژگی کشورهای جهان عرب آن است که مشابهت زبانی، دینی و فرهنگی دارند و اغلب برآمده از بقایای امپراتوری عثمانی‌اند. در ادامه داده‌هایی درباره وضعیت جغرافیایی، جمعیتی، ساختار سیاسی و اقتصادی عربستان، عراق، کویت، سوریه، اردن، امارات متحده عربی، قطر، بحرین، مصر، لبنان و الجزایر ارائه شده است. در مقابل، ویژگی مشترک کشورهای جهان غیرعرب آن است که همگی هویت خود را در دوره‌ای از تاریخ خود و به گونه‌های مختلف در جهت مخالف هسته عربی بنا کرده‌اند. سپس تحولات سیاسی و نگرانی‌های امنیتی سه کشور ایران، ترکیه و اسرائیل به تفصیل تحلیل شده است.

«اصول و الگوهای سیاست خارجی در خاورمیانه» در فصل چهارم مورد توجه قرار گرفته و سه موضوع امپریالیسم و ملی‌گرایی، جنگ و تکوین دولت، و نفت و اسلام سیاسی ذیل این عنوان آمده است. به نظر می‌رسد تجارب مختلف کشورهای منطقه از حضور و دخالت امپریالیسم موجب ظهور اشکال گوناگونی از ملی‌گرایی و نحوه ارتباط با قدرت‌های

فرمانطقه‌ای شده است. در چند دهه اخیر، جنگ و منازعه عامل مهم دیگری در تحول و پویایی نظام منطقه‌ای بوده است، همچنان‌که دو متغیر نفت و اسلام سیاسی به تدریج به صورت دو نیروی اثرگذار در خاورمیانه درآمد و اختلافات و رقابت‌های جدیدی درون منطقه پدید آورد. مشخص است که این فصل، به‌رغم حجم اندک خود (۱۶ صفحه)، متکفل بحث‌های مهمی است.

«ماهیت بحران در کشورهای خاورمیانه» موضوع فصل پنجم است. در این فصل، عوامل منازعه و بحران در منطقه به دو دسته درون‌ساختی (عدم توسعه مفهوم دولت-ملت، تقدم منافع فردی بر منافع ملی، عقب‌ماندگی و ناهماهنگی‌ها در ساختار سیاسی و اقتصادی، نفوذپذیری از دولت‌های بزرگ، و رویکردهای اسلام‌گرایی رادیکال و سکولاریسم رادیکال) و منطقه‌ای (ملی‌گرایی عربی، نزاع‌های قومی، نقش اسلام‌گرایی رادیکال و اختلافات سرزمینی) تقسیم شده است. از نظر نویسندگان، درهم‌تنیدگی بحران‌ها موجب شده است که خاورمیانه به «منطقه‌ای پیرامونی در نظام جهانی تحت حاکمیت غرب» تبدیل شود که از سویی شدیداً در معرض دخالت خارجی قرار دارد و از سوی دیگر به واسطه ویژگی‌های فرهنگی خاص خود، سرسختانه در برابر وابستگی مقاومت می‌کند. (ص ۱۹۲).

«خاورمیانه در هزاره سوم» عنوان آخرین فصل کتاب است که حاوی گمانه‌زنی‌های درباره آینده منطقه است. در این چارچوب، آینده خاورمیانه در پرتو دو گروه از عوامل مورد بررسی قرار گرفته است: عوامل سیاسی پویا در داخل منطقه، و تهدیداتی که از سوی دولت‌ها و بازیگران غیردولتی منطقه متوجه نظام بین‌الملل و منافع غرب می‌شود. در این چارچوب، مواردی چون میراث استعمار و روابط شرق و غرب، آینده ملت عرب، چارچوب اقتصاد سیاسی، تداوم جنگ و ستیز، نقش اسلام سیاسی و مشاجرات قومی مورد اشاره قرار گرفته است. برآورد نویسندگان پس از بررسی این موارد همسو با همان نکته‌ای است که در مقدمه کتاب آمده است: «مسائل این منطقه محل تداخل منافع بازیگران خارجی بوده و این تداخل با ساخت قدرت در درون کشورهای منطقه ارتباط زیادی دارد.» (ص ۱)

یکی از مهمترین نقاط قوت این کتاب، حجم متناسب آن برای آموزش درسی ۲ واحدی است، کمالینکه نمی‌توان دقت ناشر را برای عرضه اثری پاکیزه، فاقد غلط تایپی و کاستی ویرایشی تحسین نکرد. البته در یک‌جا، تاریخ کودتای عبدالکریم قاسم در عراق ۱۹۴۸ ثبت شده که درست آن ۱۹۵۸ است (ص ۲۱۳)، و در موردی دیگر نام استان شیعه‌نشین احساء در عربستان، هاسا ذکر شده است. (ص ۲۱۱) جدا از این دو مورد، غلط

تاییدی یا نکته نادرست دیگری مشاهده نمی‌شود. پاراگراف‌بندی مناسب نیز به خوانندگان کمک می‌کند درک بهتری از مطالب به‌دست آورند.

مروری مجدد بر فصول و مباحث کتاب نشان می‌دهد موضوعات مختلفی مورد توجه نویسندگان آن بوده است و آنان کوشیده‌اند گزارش تحلیلی نسبتاً جامع و کاملی از وضعیت منطقه ارائه دهند. با این حال، در بحث از جهان عرب (فصل دوم) و ذکر توصیفی وضعیت کشورهای عربی هیچ‌گونه اشاره‌ای به چهار کشور عمان، یمن، لیبی و تونس نشده است، این در حالی است که در سایر فصول کتاب مثال‌هایی از وضعیت این کشورها وجود دارد. کافی است به تحولات و رویدادهای چندساله اخیر خاورمیانه توجه شود تا متوجه اهمیت این چهار کشور و لزوم توصیف و حتی تحلیل وضعیت آنها در این فصل شویم.

استفاده از عناوین فرعی مناسب یکی از نقاط قوت هر اثری، از جمله کتاب حاضر، محسوب می‌شود، هرچند در برخی موارد نادیده گرفته شده است، مانند بخش اعظم بحث از جهان غیرعرب (صص ۱۴۳-۱۱۶) که فاقد عنوان فرعی است و اتفاقاً تمامی این صفحات درباره جهان عرب است. روشن است که چنانچه استفاده از عناوین فرعی مناسب برای این موارد اندک نیز مورد توجه واقع شود، دسته‌بندی و درک مطالب به شکل مناسب‌تری صورت می‌گیرد. از جمله نکاتی که می‌تواند در چاپ جدید توسط ناشر مورد توجه قرار گیرد، آنکه در تمامی کتاب تعبیر «رژیم اشغالگر» - برای اسرائیل - آمده است که دست‌کم می‌توان از تعبیر رژیم اشغالگر اسرائیل یا رژیم اشغالگر قدس استفاده کرد.

۲.۲ نقد روش‌شناسی و استفاده از منابع

یکی از مهمترین نکاتی که در تالیف و تدوین آثار آموزشی بایستی رعایت شود، مساله استفاده از منابع و نحوه استناد به آنهاست. در قسمت‌های گوناگون کتاب حاضر، نقل قول‌ها و یا استناداتی صورت گرفته است که منبع آنها معلوم نیست؛ مانند: کاستلز (ص ۱۱)، نیبلاک (ص ۵۳)، باتو (ص ۱۶۰)، منگو (ص ۱۶۱)، گازیت (ص ۱۶۸)، لوچری (ص ۱۶۹)، جونز (ص ۱۸۰)، تریپ (ص ۱۸۰)، اسمان و رایینوویچ (ص ۲۱۶)، هاپوود (ص ۲۲۵)، فیسک (ص ۲۳۲) و هوروویتز و کونور (ص ۲۳۵). این در حالی است که یکی از کارکردهای یک کتاب دانشگاهی، آموزش اخلاق پژوهش و گوشزدکردن حساسیت در این زمینه است.

از سوی دیگر، نویسندگان کتاب کوشیده‌اند با بهره‌گیری گسترده از منابع فارسی و انگلیسی متن آموزشی معتبری ارائه دهند. مشکل اینجاست که جدیدترین منبع فارسی مربوط به سال ۱۳۸۶ (یک کتاب) و ۱۳۸۷ (یک مقاله) و آخرین منبع انگلیسی مربوط به سال ۲۰۰۲ (یک کتاب) است. در واقع، خواننده با اثری روبروست که نخستین بار در سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) چاپ شده است، ولی بیشترین منابع فارسی آن مربوط به سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ و بیشترین منابع انگلیسی آن مربوط به سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸ است. البته در بحث از سیاست و حکومت در امارات متحده عربی از منبعی مربوط به سال ۲۰۰۷ (ص ۸۸) نام برده شده است که در فهرست منابع به چشم نمی‌خورد.

در همین زمینه، بایستی نکته دیگری را اضافه کرد. به‌رغم آنکه فهرست بلندی از منابع در پایان کتاب آمده است، برخی از آنها فاقد هرگونه ارزش تحلیلی و استنادی هستند و در مقابل از آثار برخی از تحلیلگران و نویسندگان معتبر و شناخته‌شده مطالعات خاورمیانه اثری نیست؛ مانند حمید احمدی (۱۳۷۷)، مهران کامروا (۱۳۸۸)، هشام شرابی (۱۳۸۰)، فواد عجمی (۱۹۹۲)، غسان سلامه (۱۹۹۴)، بهجت کورانی (۱۹۹۲)، ادیب‌مقدم (۱۳۸۸)، مارینا اوتاوی (۱۳۸۵)، شیرین هانتر (۱۳۸۰)، ژیل کیل (۲۰۰۲)، حازم بیلای و جیاکومو لوچیانی (۱۹۸۷)، جیل کریستال (۱۳۷۸)، مایکل هادسون (۱۹۹۹) و رابرت اسپرینگر (۱۹۹۳). همچنین در این فهرست اگرچه از یک کتاب فرد هالیدی درباره حوادث ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۱) نام برده شده است، به هیچ‌یک از دو اثر مهم وی درباره خاورمیانه (۲۰۰۲ و ۲۰۰۵) توجهی نشده است. مساله آن است که عدم مرور و بررسی چنین آثاری که به سرعت به منابعی پراستناد و قابل اعتماد در جامعه علمی تبدیل شده‌اند، نوعی کاستی برای هر اثری در این حوزه مطالعاتی محسوب می‌شود. نهایت آنکه، پیشنهاد می‌شود شیوه ذکر منابع در پایان کتاب یک‌دست شود؛ چه آنکه تاریخ نشر آثار برای کتاب بعد از نام نویسنده آمده است و برای نشریات پس از نام نشریه. در این زمینه، سال انتشار مقاله امینیان (ص ۲۳۸)، کتاب کلارک (ص ۲۴۵) و کتاب سیداحمد و احتشامی (ص ۲۴۶) نیز جا افتاده است. از طرف دیگر، نام و نام خانوادگی بوزان در همین بخش (ص ۲۳۹) به صورت جایجا آمده است (باری، بوزان) که بایستی اصلاح شود.

۳.۲ نحوه به‌کارگیری ابزارهای علمی

وجود نمایه در پایان کتاب و ارائه فهرست وسیعی از منابع زمینه مناسبی برای تداوم و گسترش مطالعه دانشجویان و علاقمندان فراهم کرده است. در عین حال، شاید مهمترین کاستی شکلی کتاب، که بر یادگیری خوانندگان هم اثرگذار است، عدم استفاده از شکل، جدول و نمودار است. در قسمت‌های مختلف کتاب مطالبی آمده است که نویسندگان می‌توانستند آنها را به تناسب در قالب جدول و نمودار بیاورند، به ویژه در خلال فصل نخست که به بررسی ویژگی‌های کلی منطقه خاورمیانه اختصاص یافته و آمارهایی درباره جغرافیای طبیعی، انسانی و اقتصادی آن آمده است. چنانچه اصلاح و ویرایش کتاب مورد توجه ناشر باشد، می‌توان به تناسب از این موارد درباره توصیف و مقایسه وضعیت گذشته و حال خاورمیانه استفاده کرد و دانشجویان و علاقمندان را با جایگاه و وضعیت هر کشور یا منطقه آشنا نمود.

۳. نقد برون‌ساختاری (مبنایی)

۱.۳ تحلیل و بررسی محتوایی اثر

چنان‌که می‌دانیم یک کتاب درسی برای دوره لیسانس نمی‌تواند تمامی مطالب مربوط به منطقه‌ای راهبردی مانند خاورمیانه را آموزش دهد، بلکه بایستی نکات پایه‌ای و اصول اولیه را پوشش دهد تا مبنایی محکم برای مطالعه و تحقیق تمهید شود. به همین دلیل، سرفصل‌های درس «سیاست و حکومت در خاورمیانه» نیز به گونه‌ای تنظیم شده است که گزارشی تحلیلی و روشمند، هرچند به اجمال، از مسائل گوناگون خاورمیانه ارائه شود. سعی نویسندگان و ناشر کتاب حاضر نیز بر آن بوده است که اثری جامع، دارای نکات اصلی و کلیدی، فراهم شود که بیش از هر چیز برای آموزش و پژوهش دانشجویان مقطع کارشناسی مفید باشد. با این حال مروری بر محتوای کتاب نشان می‌دهد، به دلایل زیر، محتوای آن متناسب با هدف نیست و خواننده، در واقع، با اثری آشفته روبرو می‌شود.

نخست آنکه، در یک اثر آموزشی تلاش می‌شود ضمن روشن بودن نقطه آغاز و خاتمه بحث در هر فصل، خواننده علاقمندانه درگیر مباحث شود، از اینرو نویسندگان به‌طور معمول سوالات یا موضوعاتی را برای تفکر و تحقیق در آغاز یا پایان هر فصل طرح می‌کنند. این نکته در کتاب حاضر رعایت نشده است و به ویژه معلوم نیست دانشجویان

صورت علاقه به مطالعه بیشتر درباره موضوع یک فصل باید سراغ چه مفاهیم و مباحثی را بگیرد.

دوم آنکه، مطالعه حتی نه‌چندان دقیق کتاب نشان می‌دهد این اثر توسط چند نفر نگارش یافته، لذا نیازمند ویرایش علمی جدی و یک‌دست‌سازی محتوایی است. به نظر می‌رسد مهمترین تعارض محتوایی بین مطالب فصل‌های ۲ (فرایند ملت‌سازی در خاورمیانه) و ۳ (نظام منطقه‌ای خاورمیانه) باشد. در حالی که در فصل ۲ استدلال می‌شود اغلب کشورهای عربی منطقه مصداق جوامع همگن و تک‌فرهنگی هستند که از مشکلات و پیچیدگی کمتری برای ملت‌سازی، در مقایسه با جوامع چندقومی خاورمیانه، برخوردارند و همین امر ظهور دولت‌های تمرکزگرا در این کشورها را توجیه کرده است (صص ۴۴-۴۳)، در فصل ۳ گفته می‌شود ناهمخوانی میان دولت و هویت در جهان عرب منطقه، در مقایسه با دولت‌های غیرعرب پیرامونی، از نمود و برجستگی بیشتری برخوردار است. (ص ۱۱۶) در اینجا بحث بر سر درستی یا نادرستی این دو دیدگاه یا میزان انطباق هر یک از آنها با واقعیت نیست، بلکه نکته آن است که این دو دیدگاه از پیش‌فرض‌های مختلفی برخوردارند، نتایج تحلیلی متفاوتی را به بار می‌آورند و در نتیجه دانشجو را متحیر می‌سازند. نمونه دیگری که نشان می‌دهد بحث‌های کتاب یک‌دست نیست و توسط افراد مختلفی نوشته شده است، نحوه بهره‌گیری از منابع در متن و ارجاع‌دهی به آنهاست. در حالی که بخش‌هایی از کتاب از استناد گسترده به منابع برخوردار است، برای بخش‌هایی دیگر حتی یک منبع هم ذکر نشده است. در این باره می‌توان به بخش اعظم مطالب فصل سوم (صص ۸۴-۵۹ و ۱۱۶-۸۸ و ۱۷۵-۱۵۲)، کل مطالب فصل چهارم (صص ۱۹۱-۱۷۶) و یا موضوعات نقش نفت در ملت‌سازی (صص ۴۷-۴۶)، تحولات و چالش‌های ملت‌سازی در خاورمیانه (صص ۵۱-۴۷) و اقلیت‌ها و نزاع‌های قومی (صص ۲۲۶-۲۰۴) توجه کرد که انشاءوار و بدون ذکر منبع نوشته شده است و سبب شده که از ارزش محتوایی کتاب کاسته شود، آن‌هم کتابی که جنبه آموزشی دارد. گفتنی است که برای مباحث مهم و متنوع فصل ششم (خاورمیانه در هزاره سوم) نیز فقط یک منبع ذکر شده است.

سوم آنکه، بعضی مباحث به شکل گذرا مورد توجه قرار گرفته است و حجم مطالب طرح‌شده تناسبی با اهمیت و قدرت نقش‌آفرینی آنها ندارد که از جمله می‌توان به موضوعات اختلافات سرزمینی (صص ۲۲۹-۲۲۸) و مساله بحران آب (ص ۲۳۳) اشاره کرد. این در حالی است که این دو موضوع بارها سبب جنگ و درگیری در منطقه و

همزمان مبنایی برای نگارش مقالات آکادمیک مهمی شده است. (See: Potter and Sick, 2008; Tolba and Saab, 2004) عجیب آنکه مساله نفت و دولت رانتیر نیز در خلال و سایه سایر مباحث فصل‌های کتاب، و نه به صورت مفصل یا مستقل، طرح شده است. طرح گذرای چنین مباحثی نمی‌تواند اهمیت جایگاه و نقش آنها در خاورمیانه را به خواننده منتقل کند و اساساً مشخص نمی‌شود چرا برخی موضوعات، تعابیر، تحولات و رویدادها مورد تاکید نویسندگان کتاب قرار گرفته است و برخی دیگر نه.

چهارم آنکه، در برخی فقرات کتاب نکاتی آمده است که شتابزده و فاقد دقت لازم به نظر می‌رسد. به عنوان نمونه، گفته شده است که «از نظر مسائل فرهنگی هم، خاورمیانه تنها منطقه‌ای است که به صورت یک‌پارچه در برابر فرایند جهانی شدن مقاومت کرده است.» (ص ۱۲) در ادامه هم این امر به حضور پررنگ اسلام در منطقه ربط داده شده است. معلوم نیست که نویسندگان بر اساس کدام مشاهده و مطالعه میدانی به این نتیجه رسیده‌اند و چرا پیچیدگی تحولات فرهنگی منطقه را بدین سادگی تحلیل کرده و گذشته‌اند. کافی بود نویسندگان کتاب به مطالعات، یافته‌های آماری و تحلیل‌های کسانی چون اینگلهارت و ولزل (۱۳۸۹) توجه می‌کردند تا نادرستی چنین نتیجه‌ای مشخص شود.

همچنین گاه جملاتی در کتاب راه یافته است که برای سخنرانی‌های عمومی مناسب است، مانند: «امروز سیاست خارجی ایران تحت تاثیر دستورات مسکو، لندن و واشینگتن تدوین نمی‌شود... شاهان قاجار از تحولات عرصه بین‌المللی غافل ماندند و دو قرن ایران را عقب نگه داشتند اما این بار با چنین تجربه‌ای نباید اشتباه حکومت قاجار و پهلوی را دوباره تکرار کرد. امروز نمی‌توان نسبت به تحولات جهانی بی‌تفاوت بود.» (ص ۱۴۷) روشن است که این گونه جملات و جمع‌بندی‌ها زیننده یک کتاب دانشگاهی نیست و بایستی با دقت تحلیل و بازنویسی شود.

پنجم و نهایت آنکه، استفاده از تعبیر «فرقه بدعت‌گذار اسلامی» برای علویان (ص ۲۲۴) شایسته یک کتاب دانشگاهی به‌شمار نمی‌رود، زیرا به معنای قضاوت ارزشی است.

۴. نتیجه‌گیری

آثار آموزشی معتبر در حوزه مطالعات خاورمیانه، به‌طور معمول، به یکی از دو الگوی کشورمحور و موضوع محور تنظیم و تدوین می‌شوند. در حالت نخست، مانند کتاب سیاست و حکومت در خاورمیانه و شمال آفریقا ویراسته مارک گازیوروفسکی

(Gasiowski, 2014)، هر کشور به صورت جداگانه مورد بحث قرار می‌گیرد و اطلاعات و تحلیل‌های پایه راجع به تاریخ معاصر، ساختار سیاسی، فضا و پویایی‌های سیاسی و اقتصادی، سیاست خارجی و چشم‌اندازهای پیش رو ارائه می‌شود. در الگوی دوم، مانند کتاب خاورمیانه معاصر نوشته مهراں کامروا (کامروا، ۱۳۸۸)، چند موضوع اصلی مشخص می‌شود و مبنای فصل‌ها قرار می‌گیرد. سپس اطلاعات و تحلیل‌های مربوطه به شکل منظم و با رعایت ترتیب تاریخی طرح می‌گردد.

با این توضیحات روشن است که کتاب مورد بحث این نوشته (سیاست و حکومت در خاورمیانه) خواسته است که از الگوی دوم پیروی و مباحث را برای دانشجویان به صورت موضوعی طرح کند. با این حال، مرور دیگر باره اشکالاتی که مطرح شد، نشانگر آن است که این خواست موفقیت‌آمیز نبوده است و نمی‌تواند مبنای مناسبی برای آشنایی با سیاست و حکومت در خاورمیانه و صاحب‌نظران این حوزه باشد. در نتیجه، هرچند «ایران در منطقه خاورمیانه واقع شده است»، این کتاب بستر مناسب و قابل‌اتکایی برای ایجاد علاقه‌مندی به مطالعات خاورمیانه در مقطع لیسانس - و در نهایت مساعد شدن زمینه شکل‌گیری و تثبیت یک سنت مستحکم خاورمیانه‌شناسی - فراهم نمی‌آورد. واقعیت آن است که تنظیم یک کتاب آموزشی، برخلاف ظاهر آن، یکی از مشکل‌ترین کارها و نیازمند مشورت با متخصصان مربوطه، از جمله متخصصان حوزه تعلیم و تربیت، است.

سخن پایانی آنکه، خاورمیانه طی پنج سال گذشته دست‌خوش رویدادهایی سرنوشت‌ساز بوده است که موجب تغییراتی مهم و وسیع در کشورهای عربی منطقه شده است و امروزه با عناوینی چون بیداری اسلامی و بهار عربی نام برده می‌شود. در واقع، این تحول سطوح و الگوهای گوناگون سیاست‌ورزی در خاورمیانه را دچار دگرگونی کرده و البته خود برآمده از تحولاتی کلان، عمیق و درازمدت است. از این‌رو مناسب است که ویرایشی جدید از کتاب در دست‌ورکار ناشر و نویسندگان قرار گیرد و، جدا از نکات پیش‌گفته، توجه به ریشه‌ها و پیامدهای این تحول در چاپ‌های بعدی آن مورد توجه واقع شود.

کتاب‌نامه

ابوالحسن شیرازی، حبیب‌اله؛ ارسلان قربانی شیخ‌نشین و رضا سیمبر (۱۳۹۱). سیاست و حکومت در خاورمیانه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین (سمت) و دانشگاه تربیت معلم.

۳۲۲ آشفته‌گی در نظر، شتاب‌زدگی در عمل؛ نقد کتاب «سیاست و حکومت در خاورمیانه»

- احمدی، حمید (۱۳۷۷). ریشه‌های بحران در خاورمیانه، تهران: انتشارات کیهان.
- ادیب‌مقدم، ارشین (۱۳۸۸). سیاست بین‌المللی خلیج فارس، ترجمه داود غرایاق زندی، تهران: شیرازه.
- اوتاوی، مارینا (۱۳۸۵). گذار به دموکراسی یا شبه‌اقتدارگرایی، ترجمه سعید میرترابی، تهران: انتشارات قومس.
- اینگلهارت، رونالد و کریستین ولزل (۱۳۸۹). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر.
- شرابی، هشام (۱۳۸۰). پدرسالاری جدید، نظریه‌ای درباره تغییرات تحریف‌شده در جامعه عرب، ترجمه سیداحمد موثقی، تهران: انتشارات کویر.
- شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی (۱۳۷۵). برنامه درسی دوره لیسانس علوم سیاسی.
- کامروا، مهران (۱۳۸۸). خاورمیانه معاصر، ترجمه محمدباقر قالیباف و سیدموسی پورموسوی، تهران: انتشارات قومس.
- کریستال، جیل (۱۳۷۸). نفت و سیاست در خلیج فارس، ترجمه ناهید سلامی و شاپور جورکش، تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- هانتر، شیرین (۱۳۸۰). آینده اسلام و غرب، ترجمه همایون مجد، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.

- Ajami, Fouad (1992). *The Arab Predicament: Arab Political Thought and Practice*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Beblawi, Hazem and Luciani, Giacomo (eds.) (1987). *The rentier state. (Nation, State and Integration in the Arab world*, London: Croom Helm [and] the Istituto Affari Internazionali.
- Gasiorowski, Mark (ed.) (2014). *The Government and Politics of the Middle East and North Africa*, Westview Press, Seventh Edition.
- Halliday, Fred (2002). *Islam and the Myth of Confrontation: Religion and Politics in the Middle East*, London: I. B. Tauris.
- Halliday, Fred (2005). *100 Myths about the Middle East*, US: University of California Press.
- Hudson, Michael (ed.) (1999). *Middle East Dilemma: The Politics and Economics of Arab Integration*, New York: Columbia University Press.
- Kepel, Gilles (2002). *Jihad: The Trail of Political Islam*, Translated by Anthony F. Robert, London and New York: I. B. Tauris Publishers.
- Korany, Bahghat (1992). *The Foreign Policies of Arab States, The Challenges of Changes*, Westview Press.
- Potter, Lawrence and Sick, Gary (eds.) (2004). *Iran, Iraq and the Legacies of War*, Palgrave.
- Salame, Ghassan (ed.) (1994). *Democracy without Democrats? The Renewal of Politics in the Muslim World*, London: I.B.Tauris.
- Springborg, Robert (1993). "The Arab Bourgeoisie: A Revisionist Interpretation", *Arab Studies Quarterly*, Vol. 15, No. 1, winter.

سید عبدالامیر نبوی ۳۲۳

Tolba, Mostafa and Saab, Najib (eds.) (2008). Arab Environment Future Challenges, Beirut:
Arab Forum for Environment and Development (AFED).

